



دانشگاه باقرالعلوم
(غیر دولتی - غیر انتفاعی)

دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

دانشکده: مدرسی معارف

رساله جهت اخذ درجه دکتری

رشته: مبانی نظری اسلام

عنوان:

استکمال جوهری نفس از منظر ملاصدرا با عرضه به آیات و روایات

استاد راهنما:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد مهدی گرجیان

استاد مشاور:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید محمود موسوی

نگارش:

معصومه اسماعیلی

بهمن ماه 1394

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد



تحمیدیه

منزه است خداوندی که دارنده صفات اعلی و صاحب برترین اسماء است. سپاس خدایی را که آفرید و پرورید. خود مظهر کمال بود و خلقت خویش را به کامل ترین مرتبه به تصویر کشید. خداوند کمال سازِ نفس نواز که چراغهایی روشن در مسیر استکمال خلق نهاد و بر انسان به ارسال وجودات نوری و نفوس کامله و هدایت بندگان بواسطه آنها منت نهاد. خداوندی که با اعطای روح ملکوتی به انسان ناسوتی، چراغی فراروی او نهاده و نفوس کامله را راهنمای انسان در احساس مانده و از عقل رانده قرار داد تا نفس مانده در خار و خس به موطن نوری خویش بازگشته و در منزل کمال نهایی آرام گیرد.

اهدائیة:

این رساله با عنوان حرکت استکمالی نفس، تقدیم به آنان که نهایت کمال و سرحد استکمالند، آنان که مقام عقل را درنوردیده و به صرافت و تجردی فوق عقلی نائل شده و از جنس ملکوتند. زیستن و گریستن در مسیر آنان، موجب کمال و نگریستن به مقصود و مأوایشان، روشنگر راه استکمال است. تقدیم به چهارده کمال بی حد، چهارده نورسرمه و چهارده نفس تا ابد ممتد که تفکر محققان و تعمق مفسران، فیلسوفان و متکلمین هرگز وجود لایقفی و نور ایشان را آنگونه که شایسته است درک نخواهند کرد چرا که این نفوس در هیچ درجه‌ای متوقف نبوده و همواره در حال اشتدادند. تقدیم به اسطوره‌های کمال و انوار لایزال که فانی فی الله و باقی به بقاء الله اند.

تقدیریه:

من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق

سپاس و عز و عظمت همواره از آن خالق است و مخلوق آینه خلقت او و انسان برترین آفریده اوست که در مسیر استکمال خویش در اندیشه وصول به خالق بی همتا است. نگارش این رساله مرهون حمایت‌های گرانسنگ کسانی است که در اندیشه بذل و احسان و یافتن مسیر کمالند. شایسته و بایسته است که از حمایت‌های فکری و مهربانانه استاد راهنمای فرزانه ام جناب حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد مهدی گرجیان قدردانی کنم که در طول تحقیق از نظارت و مراقبت علمی فروگذار نکرده و با ارائه جزوات و کتبی که در دسترس این جانب نبوده و شدیداً مورد احتیاج بود مراتب احسان خویش را به اتمام رساندند و سپاسگزارم از جناب حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید محمود موسوی، استاد مشاورم که زیر سایه سیادتشان به نگارش پرداخته و اخلاق و منش علمی ایشان منتهی بر سر این جانب بود.

سپاسگزارم از پدرم که بر درخت تنومند محبتش همواره تکیه داده ام و از سایه سار هدایت‌های کمال بخش او بهره مند گشته ام و او بود که مرا به موضوعی در راستای آیات و روایات ارشاد کرد و خاک پای مادری هستم که مرا با جان پرورید و راه کمال را نشانم داد و همسرم که تمام عمر مدیون محبت‌ها و حمایت‌های بی دریغ او در زندگی و در طول نگارش این رساله بوده ام و اگر حمایت و بزرگمردی او نبود هرگز به اتمام این مقطع تحصیلی نائل نمی‌شدم. و امیدوارم تمام حامیان فکری و معنویم مورد تأیید و مرحمت کامل‌ترین انوار الهی قرار گیرند.

چکیده:

موضوع «استکمال جوهری نفس از منظر ملاصدرا با عرضه به آیات و روایات» برخاسته از نظریه حرکت جوهری است که تمام فضای علم النفس فلسفی ملاصدرا را پوشش داده است. نفس انسان موجودی سیال و فوق مقوله است که در فرایند استکمال به رتبه عقلی و فوق عقلی نائل می‌شود. گرچه نفس دارای کینونت عقلی و کینونت پیش از بدن است اما پس از طی قوس نزول و تعلق تدبیری به بدن و دستیابی به برخی استکمالات که امکان حصول آن در مراحل دیگر وجود نداشت تا حد مقام فوق عقلی اشتداد می‌یابد. این همانی نفوس جزئی با نفسی که در موطن عقلی حضور دارد به نحو حقیقه و رقیقه است. لازم به ذکر است که کینونت عقلی نفس در آیات میثاق، خزائن الهی و بسیاری از روایات تصریح شده است.

آغاز فرایند حضور تدبیری نفس در این عالم است. تکمیل و اعتدال نفس حیوانی، زمینه را برای تعلق تدبیری نفس ناطقه به بدن فراهم می‌آورد. نفس در دو الگوی تکوینی و ارادی قابل استکمال است. نفس از بستر استکمال صورتها به بدن تعلق تدبیری یافته و در سرای دنیوی در فرایند استکمال خود با قوای عملی و نظری شایسته دریافت روح می‌شود که مختص برخی انسانهاست و خدای سبحان حقیقت روح را ملکوتی و امری معرفی کرده است. نقش علم و عمل در تکامل نفس توأمان است. کمال عقل نظری آن است که عالمی عقلی مثل عالم عینی شده و در عقل عملی این است که در میان قوای علم و غضب و شهوت اعتدال ایجاد کند براساس آموزه فنا، عقل نظری و عقل عملی در واپسین درجات استکمالی خود با یکدیگر متحد شده و غایت هر دو بعد نظری و عملی انسان، فنا فی الله محسوب می‌شود. استکمال انسان در سرای برزخی نیز ادامه یافته و آیات و روایات نیز این استکمال را تأیید می‌کنند. کمال نهایی انسان در آیات و روایات، وصول به مقام لقاء الله است که با عباراتی چون عندیت و باقی بودن به بقاء الهی و قرب از آن یاد شده است. بنابراین صراط مستقیم برای وصول به کمال توسط خداوند تعیین شده و عقل عملی و نظری تنها امداد رسان این راهند. مقام فنا و مرتبه فوق عقلی که مورد تأکید ملاصدراست با مقام لقاء الله در آیات مطابقت کامل دارد.

کلید واژه ها: نفس، استکمال جوهری نفس، آیات و روایات، استکمال در برزخ، کینونت عقلی نفس، ملاصدرا

Contents

1	مقدمه:
2	فصل اول:
2	کلیات و مفهوم شناسی
3	1-1 کلیات تحقیق
3	1-1-1 بیان F مسأله
4	1-1-2 سوال اصلی تحقیق
4	1-1-3 سوال های فرعی
5	1-1-4 پیشینه تحقیق
8	1-1-5 نوآوری تحقیق
8	1-1-6 اهداف تحقیق
9	1-1-7 ضرورت
9	1-1-8 فرضیه های تحقیق
9	1-1-9 پیش فرض های تحقیق
9	1-1-10 نوع و روش تحقیق
9	1-1-11 روش گرد آوری اطلاعات
9	2-1 مفهوم شناسی
10	2-2-1 مفهوم نفس در لغت و اصطلاح
14	2-2-2 مفهوم شناسی لغوی و اصطلاحی کمال
14	الف) مفهوم لغوی کمال و استکمال
16	ب) معنای اصطلاحی کمال
16	- کمال اول و ثانی
17	- کمال ثانی
18	2-3 معنانشناسی لغوی و اصطلاحی حرکت
18	معنای لغوی حرکت
19	معنای اصطلاحی حرکت:
19	2-4 کینونت عقلی

فصل دوم: چیستی استکمال نفس و حرکت جوهری آن..... Error! Bookmark not defined.

1-2 مبانی صدرالمآلهین در حرکت اشتدادی نفس..... Error! Bookmark not defined.

مقدمه..... Error! Bookmark not defined.

2-1-1 کاربرد اصلت وجود در حرکت استکمالی نفس..... Error! Bookmark not defined.

2-1-2 کاربرد نظریه تشکیک وجود در علم النفس صدرایی..... Error! Bookmark not defined.

2-1-3 کاربرد ترکیب اتحادی ماده و صورت در حرکت استکمالی نفس..... Error! Bookmark not defined.

2-1-4 حرکت جوهری و تأثیر آن در استکمال نفس..... Error! Bookmark not defined.

2-1-5 تأثیر نظریه حرکت جوهری در علم النفس صدرایی..... Error! Bookmark not defined.

2-2 چیستی حقیقت سیال نفس و ارتباط با بدن در علم النفس صدرایی..... Error! Bookmark not defined.

2-2-1 دیدگاه حکما در خصوص حقیقت نفس:..... Error! Bookmark not defined.

2-2-2 ویژگی های وجود سیال نفس..... Error! Bookmark not defined.

الف) جوهریت نفس..... Error! Bookmark not defined.

ب) مفهوم اضافی نفس..... Error! Bookmark not defined.

2-2-3 تجرد نفس..... Error! Bookmark not defined.

نتیجه..... Error! Bookmark not defined.

فصل سوم:..... Error! Bookmark not defined.

استکمال جوهری نفس در نظام تکوین از نظر ملا صدرا با عرضه به آیات و روایات Error! Bookmark not defined.

1-3- حرکت استکمالی صورت ها و پیدایش نفس ناطقه از منظر ملا صدرا با عرضه به آیات و روایات ... Error! Bookmark not defined.

3-1-1 حرکت استکمالی صورت ها و پیدایش نفس ناطقه از منظر ملا صدرا Error! Bookmark not defined.

الف) ارتباط نفس و بدن در استکمال صورتها..... Error! Bookmark not defined.

ب) حدوث نفس از صور استکمال یافته از دیدگاه ملا صدرا..... Error! Bookmark not defined.

3-1-2 استکمال صورتها در قرآن و روایات..... Error! Bookmark not defined.

3-2 کینونت عقلی و مثالی نفس از منظر ملا صدرا و سازگاری آن با حدوث جسمانی و استکمال صورتها با عرضه به آیات و روایات Error! Bookmark not defined.

3-2-1 کینونت عقلی و مثالی نفس از منظر ملا صدرا:..... Error! Bookmark not defined.

3-2-2 کینونت عقلی و مثالی نفس در آیات و روایات..... Error! Bookmark not defined.

الف) کینونت عقلی و مثالی بر اساس آموزه میثاق الهی..... Error! Bookmark not defined.

ب) کینونت عقلی نفس بر اساس آموزه خزائن الهی..... Error! Bookmark not defined.

ج) سازگاری حدوث جسمانی و کینونت عقلی با آموزه های زیارت جامعه کبیره Error! Bookmark not defined.

نتیجه:..... Error! Bookmark not defined.

- فصل چهارم: Error! Bookmark not defined.....
- استکمال ارادی نفس انسانی بر اساس حرکت جوهری با عرضه به آیات و روایات Error! Bookmark not defined.
- 1-4 استکمال ارادی احساس و خیال تا آستانه مرتبه عقل و مقام فوق عقلی Error! Bookmark not defined.
- 4-1-1 اسباب و زیر ساخت های استکمال دنیوی Error! Bookmark not defined.
- 4-1-2 کیفیت استکمال مدرکات در اکوان وجودی نفس Error! Bookmark not defined.
- 4-1-3 ادراک استکمالی حسی، خیالی و عقلی از دیدگاه ملاصدرا Error! Bookmark not defined.
- 4-1-4 نفس و بدن در فرایند استکمال ارادی دنیوی Error! Bookmark not defined.
- 4-1-5 تجرد فوق عقلی Error! Bookmark not defined.
- 4-2 کارکردهای عقل نظری و عملی در استکمال ارادی و کمال انسان در مقام اتحاد با عقل فعال... Error! Bookmark not defined.
- 4-2-1 کارکردهای عقل نظری و عملی در استکمال از منظر ملاصدرا Error! Bookmark not defined.
- الف) استکمال عقل نظری از منظر ملاصدرا Error! Bookmark not defined.
- عقل هیولانی Error! Bookmark not defined.
- عقل بالملکه Error! Bookmark not defined.
- عقل بالفعل Error! Bookmark not defined.
- عقل مستفاد Error! Bookmark not defined.
- ب) استکمال عقل عملی از منظر ملاصدرا Error! Bookmark not defined.
- 4-2-2 استکمال نفس در اتحاد با عقل فعال Error! Bookmark not defined.
- الف) کیفیت ارتباط استکمالی نفس با عقل فعال از دیدگاه ملاصدرا Error! Bookmark not defined.
- ب) کمال و اپسین نفس در ارتباط با عقل فعال Error! Bookmark not defined.
- 4-2-3 تعلق روح الهی به انسان در مرتبه اتحاد Error! Bookmark not defined.
- 3-4 سازگاری نظریه استکمالی ملاصدرا در نشئه دنیوی با عرضه به آیات و روایات .. Error! Bookmark not defined.
- 4-3 1- کمال انسان با عرضه به آیات و روایات Error! Bookmark not defined.
- 4-3-2 روح امری در آیات و روایات Error! Bookmark not defined.
- 4-4 استکمال برزخی انسان از دیدگاه صدرا با عرضه به آیات و روایات Error! Bookmark not defined.
- 4-4-1 انفعال نفس و نقش هیولا در انفعال Error! Bookmark not defined.
- 4-4-2 امکان و فرایند استکمال در برزخ بر اساس مبانی صدرا با عرضه به آیات و روایات Error! Bookmark not defined.
- 4-4-3 استکمال برزخی با عرضه به آیات و روایات Error! Bookmark not defined.
- نتیجه: Error! Bookmark not defined.....

خاتمه و جمع بندی:.....**Error! Bookmark not defined.**

پیشنهادات:.....**Error! Bookmark not defined.**

فهرست منابع.....**Error! Bookmark not defined.**

مقدمه:

در میان مکتب سازان فلسفه اسلامی، ملاصدرا صاحب یکی از سه مکتب بزرگ فکری در فلسفه اسلامی است که از دیدگاه متفکرین، کاملترین آنها محسوب می شود. ابن سینا متفکر بزرگ و شارح مهم مکتب مشاء، مکتب فلسفی خویش را بر عقل گرایی بنیان نهاد و عقلانیت بحثی روش خاص ایشان به حساب می آمد، ایشان در اواخر عمر به روش اشراقی گرایش نشان داده و برخی رسالات و سه نمط آخر اشارات و تنبیهات را با رویکردی متفاوت نگاشت. پس از ایشان جناب سهروردی روش اشراقی را که در مکتب سینایی به صورت رنگمایه هایی وجود داشت پررنگ کرده و به صورت روش فلسفی خویش درآورد. ملاصدرا روش عقلی و اشراقی را با یکدیگر تلفیق کرده و قرآن، برهان و عرفان را در کنار یکدیگر به کار گرفت. از جمله مهم ترین موضوعات فلسفی، بحث علم النفس فلسفی است که بر پایه روش و نظریات هر مکتب شکل و غایت خاصی به خود می گیرد. علم النفس فلسفی صدرایی بر پایه زیر ساختهایی چون اصالت وجود، تشکیک وجود و حرکت جوهری بنا شده و فضای نفس شناسی را به شکل متفاوتی رقم زد.

نفس، بر پایه حرکت جوهری و اشتداد وجودی، حقیقتی سیال است که دامان خود را در تمام اکوان گسترده است. نگاه ملاصدرا به نفس، نگاهی استکمالی است و رویکرد ایشان به نفس بر اساس حرکت جوهری رویکردی متفاوت از دیگر حکماست. این دیدگاه متفاوت که نفس را حقیقتی استکمالی و کشدار می داند از آن جهت اهمیت دارد که شناخت عمیق و متفاوتی از نفس به دست داده و در ابعاد اخلاقی، تربیتی و عرفانی کارکردهای متعددی دارد. بنابراین ضرورت دارد حقیقت استکمالی نفس، زیر ساختهای اعتقاد به این نظریه و ابعاد موضوع، مورد تعمق علمی قرار گیرد تا با تبیین موضوع، کارکردهای آن نیز مورد بررسی قرار گیرد. اعتقاد به استکمال نفس و دامنه این استکمال، انسان را با خویشتن خویش آشنا کرده و مسیر کمال یابی را برای او روشن می سازد.

فصل اول:

کلیات و مفهوم شناسی

1-1 کلیات تحقیق

1-1-1 بیان مسأله

نفس از نظر ملاصدرا موجودی سیال و مشتد است که از ابتدای حدوث در حرکتی تدریجی و اشتدادی است. ملاصدرا نظریه علم النفس خود را بر پایه مبانی فلسفی خویش چون اصالت وجود، تشکیک در وجود و حرکت جوهری بنا کرده و نظریه استکمال نفس را از خاستگاه حرکت اشتدادی نتیجه می گیرد؛ ایشان برای نفس قائل به کینونت قبل از حدوث بدن و بعد از آن هست و آن را حادثه قدیمه می داند از نظر ایشان، نفس دارای کینونتی قبل از حدوث بدن بوده و این نوع کینونت را بر اساس آیات و روایات و بحث از خزائن الهی و وجود علمی موجودات در ملکوت الهی توصیف می کند؛ ایشان در فرایند قوس نزول، به کینونت عقلی و مثالی برای نفس قائل بوده و در قوس صعود به قابلیت استکمال نفس تا مرتبه عقلی و فوق عقلی اعتقاد دارد.

استکمال انسان در نظام تکوین به تبع حرکت جوهری همه موجودات اتفاق افتاده و استکمال دیگری نیز به تبع افعال ارادی خویش دارد. نفس از زمان حدوث جسمانی و در طی دوره استکمال خویش دارای چند دوره تجرد برزخی، تجرد عقلی و فوق عقلی است. که هر کدام نیز در درون خود مراتبی دارد که نفس انسان در حرکت جوهری، این مراتب را طی کرده و در طی این مراتب نیز دوره شدت و ضعف را از سر می گذراند لذا حرکت به تدریج اتفاق افتاده و کون و فساد در کار نیست. از دیدگاه ملاصدرا، نفس در ابتدا بالقوه نفس بوده و بالفعل صورت نوعیه برای محل خود است و بر اساس حرکت جوهری و سیر و تحول درونی از این مرحله عبور کرده و به مرتبه نفس نباتی رسیده و در این مرحله بالقوه یک حیوان است و پس از تولد، بالفعل یک حیوان و بالقوه انسان است و بالاخره با ادراک و تعقل حقایق مجرد، نفس ناطقه به او تعلق یافته و انسانی بالفعل می شود. بر این اساس نفس با حرکت جوهری به سمت کمال خویش در حرکت بوده، با تعقل حقایق برتر و دوام این تعقل از مراتب عقل هیولانی و بالملکه عبور کرده و به مرتبه عقل بالفعل می رسد چنانکه استعداد ارتقا به عقل مستفاد و قدسی نیز در او وجود دارد.

ملاصدرا میان نفس بشری و روح الهی تمایز گذاشته و معتقد است نوادری از افراد موفق به دریافت روح نفخی و ملکوتی خداوند می شوند لذا نفسی که دارای حدوث جسمانی است جنبه ملکی داشته و روح الهی دارای حدوث جسمانی نیست بلکه وجودی ملکوتی است که تعلق آن به بدن حادث است. بنابراین یکی از سؤالات مهم سازگاری این نظریه ملاصدرا با آیات و روایات است؛ همچنین ملاصدرا، تنوع یابی نفس را محصول بقا و کسب هیئات و ملکات و استکمال نفوس می داند بر این اساس نفس در مسیر استکمال و بر اساس کسب ملکات

به چهار نوع تقسیم می‌شود؛ نفس ملکی، شیطانی، سبعی و بهیمی. اما برخی آیات و روایات صراحت در وجود تنوع در نفوس قبل از حدوث و استکمال نفوس دارند حال سؤال این است که نظر ملاصدرا در این خصوص چگونه با مفاد آیات و روایات قابل جمع است و اینکه آیا می‌توان میان نوع نفوس کامل و غیر کامل از ابتدای حدوث تمایزی قائل شد؟

نظریه استکمال از ابتدای فرایند حدوث نفس از عناصر و صور آغاز شده و تا مرتبه فوق عقلی مورد بررسی قرار می‌گیرد بر این اساس یکی از نشئات در مراتب اعلائی استکمال مرتبه فوق عقلی است که درعرضه به آیات و روایات نیز قابل اثبات است. در قرآن کریم سخن از عهد و میثاقی است که از انسان‌ها گرفته شده و این مضمون در روایات مختلف مورد تأکید و تبیین قرار گرفته است. در برخی آیات سخن از عهدی عمومی با تمام بندگان بوده و در برخی آیات سخن از عهد با پیامبران است. ظهور این دسته از آیات و روایات دلالت بر تقدم ارواح بر ابدان دارد حال سؤال این است که نظریه جسمانیة الحدوث و استکمال نفس بر پایه حرکت جوهری و حدوث جسمانی ملاصدرا چگونه با این دسته از آموزه‌ها سازگاری می‌یابد البته ملاصدرا اصل تقدم ارواح را غیر قابل انکار دانسته و روایات در این زمینه را متواتر می‌داند اما معتقد به کینونت عقلی و نه وجود نفسانی است.

استکمال نفس مجرد از جمله مباحث بحث بر انگیز در فلسفه است. علم و عمل را از عوامل استکمال نفس بر شمرده اند اما سؤال اینجاست که این دو چگونه به استکمال نفس مجرد می‌انجامند؟ از دیدگاه دینی نفس انسان نه تنها در دنیا بلکه در برزخ و قیامت نیز از استکمال برخوردار است اما این مطلب با مبانی فلسفی چون برهان قوه و فعل سازگاری ندارد لذا این دیدگاه فلسفی بر اساس لسان آیات و روایات قابل بررسی است.

1-1-2 سوال اصلی تحقیق

نظریه استکمال جوهری نفس از منظر ملاصدرا چیست و بر اساس آیات و روایات چگونه ارزیابی می‌شود؟

1-1-3 سوال های فرعی

1. مبانی نظریه استکمال جوهری نفس چیست؟
2. حقیقت استکمالی نفس از دیدگاه ملاصدرا چگونه است؟
3. حرکت استکمالی جبلی و تکوینی نفس از منظر ملاصدرا چگونه ارزیابی می‌شود و چه مقدار با آیات و روایات سازگار است؟
4. دیدگاه ملاصدرا راجع به حرکت استکمالی ارادی نفس چیست و چه میزان با آیات و روایات منطبق است؟

5. حرکت استکمالی نفس در برزخ چگونه بوده و چقدر با آیات و روایات سازگار است؟

1-1-4 پیشینه تحقیق

موضوع استکمال نفس انسانی اگر چه با عنوان تکامل و کمال نفس در برخی کتب و مقالات مورد بحث قرار گرفته است اما راجع به استکمال جوهری نفس از منظر ملاصدرا آنهم با عرضه به آیات و روایات مطالبی یافت نگردید ولی در آثار ملاصدرا می توان مباحث را دنبال کرد که از جمله آثار موارد زیرند:

کتب:

اسفاراربعه ملاصدرا:

این کتاب در چهار سفر و در 9 جلد تدوین شده است. جلد 8 و 9 این کتاب به نحو مفصل به بحث علم النفس پرداخته است. ایشان در این کتاب با عنوان استکمال به بحث از حرکت نفس پرداخته اند اما شروع بحث از تکون نفس از عنصر و بیان مراتب و اشتداد نفس در میان مراتب مادی، مثالی و عقلی بیان کننده این نوع استکمال است.

در جلد 9 ملاصدرا به بحث از تناسخ پرداخته و امکان وجود نفس قبل از بدن را با ادله متنوع ابطال می کند و بعد از آن به بحث از ملکات نفس می پردازد. این مباحث جهت بررسی نقش ملکات نفس در استکمال او مورد نظر رساله است. نحوه بحث در این کتاب تفصیلی و عقلی بوده و ایراد نظرات پس از تقریر کامل نظر پیشینیان انجام می شود.

اسرار الآیات:

ملاصدرا در طرف سوم این کتاب به بحث از کمال یابی نفس بر اساس آیات و روایات پرداخته اند. در این بحث تکون نفس از عنصر آغاز شده و تا مرتبه انسان کامل مورد بحث قرار می گیرد و تمام ادعاها به آیات و روایات مستند می شود. مباحث نفس در این کتاب اگر چه مختصر است اما نحوه مستند سازی مطالب با آیات به خوبی بیان شده است و یکی از مواضع مهم در رساله پرداختن به کیفیت استفاده ایشان از ادله نقلی است.

مبدأ و معاد:

ملاصدرا در این کتاب به بحث از تکون نفس و قوا پرداخته و قوای نفس را به طور مفصل بیان کرده در فن دوم در ضمن بحث از تکون انسان از عناصر به تکامل صورتها و حدود انسان پرداخته است.

عرشیه:

ملاصدرا در این کتاب با رویکردی تقریبا عرفانی به استقبال مقامات نفس رفته اند. ایشان در این کتاب به بحث سبق نفس بر بدن و روح الهی و تفاوت آن با نفس بشری پرداخته اند که این بحث در بخش حدوث، مورد نظر رساله است.

الشواهد الربوبیه:

این کتاب به نحو مختصر اما بسیار مفید به بحث از انیت و تکون نفس پرداخته است. در مشهد سوم و شاهد دوم از این مشهد به جوهریت نفس، تجرد نفس، ارتباط نفس و بدن در ضعف و کمال، حدوث نفس و بقاء آن و کمال نفس پرداخته است. -

مفاتیح الغیب:

مفتاح پانزدهم این کتاب به نحو مفصل به بحث از نفس پرداخته است در این کتاب بحث از تکون نفس از عنصر آغاز شده و در ضمن بحث از قوا حرکت استکمال نفس مورد بحث قرار گرفته است در مفتاح هفدهم نیز حرکت نفس از ادنی مراتب تا اعلی مراتب مورد بررسی قرار گرفته و اتحاد با عقل فعال به عنوان کمال انسان مطرح شده است.

تفسیر المیزان از علامه طباطبایی:

تفسیر المیزان تفسیری اجتهادی است و جناب علامه به خاطر رویکرد فلسفی و تخصص در آثار و نظریات ملاصدرا، در تفسیر خویش به این منظر نیز پرداخته است. خصوصا در آیاتی (حج، آیه 5)، (فاطر، آیه 11) و (غافر 67) به حدوث نفس پرداخته و در آیات که مربوط به نفس انسان است نگاهی عمیق داشته و مبانی فلسفی خود را تا حدی در تفسیر آیات به کار می گیرند.

شروح:

رحیق مختوم

علامه جوادی آملی

یکی از مهم ترین منابع، کتاب رحیق مختوم (شرح حکمت متعالیه) که به شرح و بررسی مباحث ملاصدرا در بخش نفس نیز پرداخته است. البته رحیق مختوم در شرح جلد 8 اسفار، هنوز چاپ نشده اما مباحث تدریسی آن به قلم استاد حشمت پور تا حدودی در دسترس است.

شرح العیون فی شرح العیون از علامه حسن زاده

این کتاب با رویکردی قرآنی و عرفانی به استقبال علم النفس فلسفی رفته و تبیین هایی عارفانه به دست داده است جناب علامه حسن زاده، مبانی ملاصدرا را با رویکرد قرآنی و عرفانی مورد تحلیل قرار داده و نفس را حقیقتی لایققی می دانند لذا در این اثر خویش به استکمال نفس تا مقام فوق عقلی توجه داشته اند.

عنوان پایان نامه:

استکمال نفس از منظر عقل و نقل در مقطع کارشناسی ارشد

جناب مهدی زندیه

در این پایان نامه مراحل و ابزار استکمال نفس از دیدگاه عقل و نقل مورد بررسی قرار گرفته و نگاهی اثباتی و ایجابی دارد؛ نگاه اثر عقل گرایانه بوده و نقل را در جهت اثبات ادله عقلی ذکر کرده است. تفاوت اثر این جانب با پایان نامه جناب زندیه در عرضه نظرات به آیات و روایات است همچنین ماهیت تمام مطالب و پایه گذاری استکمال بر حرکت جوهری نفس و مقام لایققی آن، توجه به کارکردهای عقل نظری و عملی در استکمال، بررسی دو رویکرد تکوینی و ارادی در کمال یابی و استکمال برزخی از تمایزات جدی این دو رساله است مضاف بر اینکه نوع نگاه این رساله با اثر جناب زندیه و رویکردهای دو رساله کاملا با همدیگر متفاوت است. همچنین این رساله به دیدگاه ملاصدرا پرداخته و رساله جناب زندیه، مکتب محور نبوده و بر اساس عقل و نقل است.

مقالات:

1-مراتب استکمال نفس از دیدگاه ملاصدرا؛ علی ارشد ریاحی و حمید رضا اسکندری

2-عوامل مؤثر در استکمال نفس از دیدگاه ملاصدرا؛ علی ارشد ریاحی و حمید رضا اسکندری

3-استکمال برزخی نفس؛ رضوانه نجفی سواد رودباری

مقالات فوق در خصوص مراحل کمال در حیات دنیوی و اخروی بوده و دیدگاهی عقل گرایانه دارند لذا مباحث بر کتاب و سنت عرضه نشده اند.

کمال نهایی انسان

مؤلف: مهدی عبداللهی

این کتاب به کمال نهایی پرداخته و سرمنزل کمال را مد نظر دارد لذا مراحل رسیدن به کمال و رویکرد استکمالی انسان در پرتو حرکت جوهری آنهم از منظر ملاصدرا مد نظر ایشان نیست و عرضه بر کتاب و سنت نیز انجام نشده است.

مجموعه مقالات نفس و بدن

تهیه شده توسط پژوهشگاه علوم و معارف اسلامی

این مجموعه مقالات در 8 جلد تهیه شده و به مقالاتی می پردازد که ارتباط نفس و بدن را مورد سنجش قرار داده اند و فرایند استکمال مد نظر این مجموعه نبوده اما خطوط ارتباطی نفس و بدن در بسیاری موارد تبیین شده است.

5-1-1 نوآوری تحقیق

در این رساله نفس در تمام مراحل، حقیقتی استکمالی و دارای حیث لایقنی دانسته شده است که امری وجودی و فوق مقوله محسوب می شود. کمال در این اثر جایگاهی استکمالی داشته و حد ایستایی ندارد. همچنین مراتب استکمالی نفس از زمان قبل از حدوث تا مقام فوق عقلی در دستور کار قرار گرفته است. خصوصا در برخی موارد بازخوانی تقریرات ملاصدرا اتفاق افتاده و با تفسیر موسع از جسم، جوهر و تمایز گذاری میان نفس و روح، رویکرد نتایج را تغییر داده است. از طرف دیگر عرضه این دستاورد به آیات و روایات و قرائت واحد از نگاه صدرایی در بعد لایقنی نفس نیز می تواند ره آورد تازه ای تلقی گردد.

6-1-1 اهداف تحقیق

این تحقیق با اهداف زیر تدوین خواهد شد:

1. بررسی ساختار مفهومی نفس، روح، جوهر و جسم و امکان توسع در مفهوم شناسی آنها
2. تقریر حدوث جسمانی صدرا با رویکرد تعیین زیرساخت نظریه استکمال جوهری نفس
3. تمایز گذاری میان نفس و روح و بهره گیری از این تمایز در تدوین زیر ساخت استکمال و تقریر اشتداد نفس
4. تقریر نظریه استکمال تکوینی ارادی نفس با هدف سنجش سازگاری آن با آیات و روایات

5. مشخص سازی مسیر کمال و نهایت این راه

1-1-7 ضرورت

با توجه به بنیان گذاردن بسیاری از مباحث فلسفه اسلامی بر اساس نظریات ملاصدرا و تأثیر این نظریات در بسیاری از رهیافت های عقلی و ضرورت سازگاری میان این نظریات و نص مقدس آیات و روایات، این رساله بر آن است تا این سازگاری را تبیین نموده و مورد سنجش قرار دهد و این مسأله با توجه به اهمیت و جایگاه اساسی نظرات ایشان در فلسفه اسلامی ضرورت می یابد، در حقیقت نیاز است تا با بازخوانی مبانی و تقریرات ایشان در خصوص اشتداد نفس به سنجش سازگاری میان این نظریات و آیات و روایات پرداخته شود.

1-1-8 فرضیه های تحقیق

نفس انسان بوسیله کارکردهای عقل عملی و نظری به استکمال می رسد.

بر اساس حرکت تکوینی همه موجودات، نفس نیز در جریان حرکت استکمالی اشتداد می یابد.

1-1-9 پیش فرض های تحقیق

1. ملاصدرا معتقد به تجرد نفس است.

2. از نظر ملاصدرا حرکت در جوهر اشیاء اتفاق افتاده و نفس نیز دارای حرکت جوهری است.

3. نفس از دیدگاه ملاصدرا قابل اشتداد و استکمال است.

1-1-10 نوع و روش تحقیق

این تحقیق به روش تحلیلی و مسأله پژوهی بوده و از نظر نوع پژوهش بنیادی است.

1-1-11 روش گردآوری اطلاعات

روش گردآوری اطلاعات در این رساله، به علت ماهیت موضوع کتابخانه ای است.

2-1 مفهوم شناسی

هدف از مفهوم شناسی، شناخت دقیق معنای واژه های پرکاربرد و تعیین فهم و موضع مؤلف درخصوص آنهاست. لذا در این بحث، مفاهیم کلیدی در رساله مورد مفهوم شناسی قرار می گیرد. مفهوم نفس و کمال که اساس رساله را تشکیل می دهند مورد مفهوم شناسی و پردازش دقیق قرار گرفته و دیگر مفاهیم چون حرکت و کینونت عقلی که تنها بخشی از رساله را تحت پوشش قرار داده اند مورد پردازش کمتری قرار گرفته اند.

1-2-1 مفهوم نفس در لغت و اصطلاح

مفهوم لغوی

ابن فارس در معجم مقاییس اللغه می نویسد: «نفس اصل واحد یدل علی خروج النسیم کیف کان من ریح او غیرها، والیه یرجع فروعه»¹ ابن منظور نیز بر همین نظر است وی می نویسد: سمیت النفس نفساً لتولد النفس منها² اما اگر حکم به صحت این معنی کنیم کلمه «نفسه» که برای تاکید به کار می رود مانند: «جاء زید نفسه» هم چنین بسیاری از موارد کاربرد با این نظریه قابل توجیه نیست. در مفردات راغب نفس به دو معنا تعریف شده است اول به معنای روح است همانطور که می گویند «نفس فلانی از بدنش خارج شد» و دوم به معنای حقیقت و خود شیء است مثل اینکه بگویند «قتل فلان نفسه» یعنی فلانی خودش را کشت.³ همچنین گفته شده که مراد از نفس همان روح است که حیات و هستی جسد و بدن وابسته به آن می باشد و هر شیئی به ملاحظه ذاتش نفس شیء گفته می شود و نیز گفته می شود کسی که دارای نفس است.⁴

مفهوم اصطلاحی

نفس توسط افلاطون به «النفس مبدأ حیاة الجسم و حرکت» تعریف شده که مبدأ در این تعریف به معنای علت و حیات به معنای عامل تغذیه و رشد و نمو در نظر گرفته شده است.⁵ از دیدگاه ارسطو، به «کمال اول جسم طبیعی آلی»⁶ تعریف می شود و جسم بوسیله نفس، نوع بالفعل می شود مانند شکل برای کرسی و احساس و حرکت

¹ احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، 1404ق، ج 5، ص 460

² ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم ابن منظور افریقی مصری، لسان العرب، بیروت، دار صادر، 1997، ج 14، ص 234

³ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، قم، منشورات ذوی القربی، 1431ق، ج 2، ص 3982

⁴ فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، تهران: مرتضوی، 1375، ج 4، ص 114

⁵ افلاطون، دوره کامل آثار ترجمه محمد حسن لطفی، تهران، انتشارات خوارزمی، 1376، ج 4، ص 2357

⁶ ارسطو، درباره نفس، ترجمه علی مراد داودی، تهران، حکمت، 1389، ص 78

ارادی انسان، کمالات ثانی برای او محسوب می‌شوند بنابراین نفس کمال اول است.¹ واژه‌های به کار رفته در تعریف نفس نیز خود شایان عنایت اند؛ کمال در اصطلاح به معنای «ما به يتم النوع فی ذاته او صفاته» است؛ از این تعریف قطعا به دست می‌آید که نفس، کمال است چرا که با پیوستن آن به بدن، او را به انسان یا نوعی حیوان یا گیاه تبدیل می‌کند.²

همچنین از تعریف نفس به کمال، می‌توان دریافت که اولاً کمال، تمام کننده ذات نوع است و بدون آن نوعیت شیء تمام نمی‌شود و ثانیاً کمال ثانی که تمام کننده صفتی از صفات نوع است، اثر کمال اول محسوب می‌شود که به آن، عرضی اطلاق می‌شود مثل سببی که سبب بودن کمال اول آن و رنگ و مزه کمالات ثانی آن محسوب می‌شوند.³ قید اول و ثانی برای کمال نیز از آن جهت است که برخی کمالات برطرف کننده نقص ذاتی و برخی، برطرف کننده نقص عرضی اند لذا برای تمایز آنها از واژه‌های «اول» و «ثانی» استفاده شده است. باید در نظر داشت که این نوع تعریف از نفس، جسم را با تعریفی موسع دیده است چرا که جسم در این تعریف دقیقاً هم معنای ماده نیست چرا که به موجود مرکب از نفس و بدن نیز جسم اطلاق می‌شود و این اطلاق در صورتی است که واژه جسم به شکل «لابشرط» و به معنای جنسی آن لحاظ شده باشد نه به معنای ماده و بشرط لا؛ زیرا ماده جزء مرکب و کل است و بر آن قابل حمل نیست.⁴ واژه طبیعی نیز در مقابل صناعی به کار رفته و آلی به معنای دارای اعضا یا قواست.

ابن سینا نیز در تعریف نفس، آن را کمال موضوع می‌داند طوری که موضوع به آن متقوم باشد.⁵ ایشان در تعریف نفس، جنبه تعلق به بدن را در نظر می‌گیرد و معتقد است زمانی که نفس را کمال بدانیم باید این را نیز معتقد

¹ صدرالدین شیرازی، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه، بیروت: دار احیاء التراث، 1981 م ج 8، ص: 17

² ان کمالات هی الأشياء التی اذا کانت موجودة لاشیاء اخر و حاصله لها کانت بها علی حال تمام و کمال و اذا کانت غیر موجودة لها کانت بذلک علی حال نقص فتکون النفس عندهم شیئا اذا کان لبدن ما کان بهذه الصفة اعنی علی حال کمال و اذا لم یکن کان علی حال نقص. (ابو البرکات، المعترف فی الحکمه، اصفهان، دانشگاه اصفهان، 1373 ه ش، ج 2، ص 299)

³ غلامرضا فیاضی، علم النفس فلسفی، تحقیق و تدوین محمدتقی یوسفی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1389، ص 33

⁴ عبدالرسول عبودیت، درآمدی به نظام حکمت صدرایی، تهران، سمت، 1392، ج 3، ص 75

⁵ حسین بن عبدالله سینا، شفا، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، قم، 1404، ص 26

باشیم که نام نفس از حیث جوهر آن نفس نیست بلکه از حیث تعلق به بدن و در مقایسه با آن، نفس نامیده شده است.¹ روش ابن سینا در تعریف و اثبات نفس گونه های مختلفی دارد مثلاً ایشان، از طریق آثار و لوازم نفس به وجود او می رسد لذا به آثار مختلف یک جسم برای اثبات نفس استناد می کند؛ آچرا که قطعاً نمی توان گفت که مبدأ فاعلی این آثار، ماده یا صورت جسمیه است چرا که صورت نوعیه نبات و معدن با یکدیگر تفاوت دارند لذا مبدأ فاعلی غیر از ماده و جسم است و بدین شکل و بر اساس وجود آثار گوناگون و نه ثابت در اجسام، وجود نفس اثبات می شود. با این روش، نفس از طریق آثار و لوازم شناخته شد و تقسیم نفوس نیز از همین بستر معلوم گردید، بر این اساس نفوس به سه دسته نباتی، حیوانی و انسانی تقسیم می شوند. از نظر ابن سینا، نفس دارای حیثیات مختلف است و از این جهت نام هایی چون قوه و کمال و صورت بر آن گذاشته اند. حکما در تعریف نفس گاه به قوه اشاره کرده اند؛ از نظر ایشان، نفس مانند آتش نیست که کاری یک بعدی و بی اراده انجام دهد بلکه چند بعدی است. چرا که قوه یا فاعلی است یا قابلی و قوه فاعلی یا یک بعدی است یا چند بعدی و قوه چند بعدی نفس نام دارد.³

ایشان نفس را به صورت تعریف نمی کنند چون تعریف باید جامع و مانع باشد و صورت شامل نفس مجرد نمی شود.⁴ همچنین مشهور حکما در تعریف نفس از کمال استفاده کرده اند؛ به دلیل اینکه در تعریف باید جنس یا چیزی که به منزله جنس است أخذ شود و چون کمال از صورت به جنس نزدیک تر است⁵؛ لذا کمال أخذ شده است. ابن سینا همچنین نفس را به قوه تعریف کرده است «النفس قوه فی الجسم تکون مبدأ لصدور افعال لیست علی وتیره واحده» و قوه در این تعریف به معنای مبدأ فاعلی است؛ ابن سینا با استفاده از کلمه مبدأ - که به معنای سرچشمه و مبنای فعلیت است -، فاعل طبیعی را که غیر ارادی و یکنواخت است از تعریف خارج کرده

¹ همان، ص: 5

² إنا قد نشاهد أجساما تحس و تتحرك بالإرادة، بل نشاهد أجساما تغتذى و تنمو و تولد المثل و لیس ذلک لها لجسميتها. فبقی أن تکون فی ذواتها مبادئ لذلک غیر جسميتها، و الشیء الذی تصدر عنه هذه الأفعال. و بالجمله کل ما یکون مبدأ لصدور أفعال لیست علی وتیره واحده عادمه للإرادة، فإننا نسمة نفسا (همان، ج 2 ص: 5)

³ فخر الدین الرازی، المباحث المشرقیة فی علم الالهیات و الطبیعیات، قم، انتشارات بیدار، 1411 ه ق، ج 2 ص 220 تا 224

⁴ حسین بن عبدالله سینا، الشفاء (الطبیعیات)، ج 2 النفس 6

⁵ چون کمال نسبت به نوع سنجیده می شود و صورت نسبت به ماده

اند. جناب علامه طباطبایی (ره) نفس را به گونه‌ای دیگر تعریف کرده و با دقت در ذات نفس به همراه نگاه به فاعلیت و مدبریت او، به تعریف پرداخته است؛ ایشان در تعریف نفس فرموده اند:

نفس، جوهری است که ذاتا مجرد از ماده است و در فعل خود به ماده تعلق دارد.¹

مراد از کمال اول، همان صورت نوعیه است که نوع با آن نوع بالفعل می شود مانند شکل برای کرسی؛ کمال اول نوع ساز بوده و کمال ثانی صفات نوع است که افعال و انفعالات شیء با آن رقم می خورد مانند قطع کردن برای شمشیر و رؤیت و احساس برای انسان. لذا تمام کمالات بعد از نوعیت یافتن، کمال ثانی محسوب می شوند.² صورت نوعیه کمال اول برای جسم طبیعی به معنای جنسی - نه به معنای مادی - است؛ برای جسمی که خود، نوع است و برای هر جسم طبیعی نیز مطرح نیست مثلا صورت سنگ و طلا نفس نیستند بلکه جسم آلی، دارای نفس است. بدین معنا که با قوا آثار خود را به ثمر می رساند مثلا درخت با قوه نامیه، مولده و غذایی، کارهای خود را به انجام می رساند و انسان با قوه عاقله، افعال خود را انجام می دهد البته از دیدگاه مشاء، قوه عاقله نفس، حقیقت انسان است و واسطه نیست.³

همچنین ملاصدرا با قبول نظر حکما، نفس را به کمال جسم تعریف می کند؛ بنابراین نفس کمال اول برای جسم طبیعی آلی و دارای حیات بالقوه است⁴ و اینکه چیزی کمال اول به حساب آید منافات ندارد که کمال ثانی برای شیء دیگری باشد. کمال اول بودن برای جسم طبیعی خاصیت نفس است و از نظر ملاصدرا هر قوه‌ای در جسم طبیعی که با استخدام قوه‌ای دیگر که تحت اوست فعلی انجام می دهد نفس است و تعریف نفس به کمال اول

¹ محمد حسین طباطبایی، نه‌ایة الحکمة، قم، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، چاپ دوازدهم، 1360، ص 353

² حسین بن عبدالله سینا، شفا، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، قم، 1404، ص 26

³ فالنفس کمال الشیء، و هذا الشیء هو الجسم، و يجب أن يؤخذ الجسم بالمعنى الجنسی لا بالمعنى المادی، كما علمت فی صناعة البرهان. و لیس هذا الجسم الذى النفس کماله کل جسم، فإنها لیست کمال الجسم الصناعی کالسریر و الكرسي و غیرهما، بل کمال الجسم الطبیعی. و لا کل جسم طبیعی، فلیست النفس کمال نار و لا أرض و لا هواء، بل هی فی عالمنا کمال جسم طبیعی تصدر عنه کمالاته الثانیة بألات یستعین بها فی أفعال الحیاة التى أولها التغذی و النمو. فالنفس التى نحتها هی کمال أول لجسم طبیعی آلی له أن یفعل أفعال الحیاة (اهمو، الشفاء) (الطبیعیات)، ج 2، ص: 5

⁴ صدرالدین شیرازی، الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة، ص: 187

لجسم طبیعی - آلی جامع سایر نفوس نیز هست.^۱ این تعریف که نفس، کمال اول برای جسم طبیعی آلی است تنها مختص نفس انسانی نیست بلکه جامع سایر نفوس نیز هست چرا که منظور از آلی که در تعریف نفس آمد اعضا نبوده بلکه منظور قواست.^۲

البته در تکمیل این تعریف باید گفت که طبق تحقیق ملاصدرا، نفس دارای حیثیات متعددی است که بر اساس ساحات گوناگون به «کمال»، «صورت» و «قوه»^۳ تعریف شده است. تعریف نفس به قوه بدان جهت است که نفس فعل ادراک را انجام می دهد. لذا منظور از قوه در تعریف نفس نیز اعضا نیست بلکه منظور قوایی چون غاذیه و نامیه و مولده در نفس نباتی و خیال و حس و قوه شوقیه در نفس حیوانی و قوای ادراک باطنی و عقلی در انسان است.

2-2-1 مفهوم شناسی لغوی و اصطلاحی کمال

الف) مفهوم لغوی کمال و استکمال

واژه کمال از نظر صاحب مفردات، چیزی است که غرض را تأمین کند^۴ از ریشه «کمل» است و در ذوات و صفات استفاده می شود و زمانی به کار می رود که چیزی در تمام اجزایش جامع باشد.^۵ از آنجا که میان واژه کمال و تمام نوعی قرابت معنایی وجود دارد ضروری است واژه «تمام» نیز مورد بررسی قرار گیرد. در این زمینه میان

^۱ همو، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه، ج 8، ص: 17

^۲ همان، ج 8، ص: 18

^۳ قد عرفت فی مباحث القوه و الفعل أنا نسبی کل قوه فاعلیه یدصر عنها الآثار لا علی وتیره واحده نفسا و هذه اللفظة اسم لهذه القوه لا بحسب ذاتها البسیطه بل من حیث کونها مبدأ لمثل هذه الأفاعیل المذكوره... فنقول آخذا فی بیانہ علی طبق ما قالته الحکماء إن النفس لها حیثیات متعدده قسمی بحسبها بأسام مختلفه و هی القوه و الکمال و الصوره فهی لکونها تقوی علی الفعل الذی هو التحریک و علی الانفعال من صور المحسوسات و المعقولات الذی هو الإدراک تسمى قوه... (الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه، ج 8، ص 6)

^۴ راغب اصفهانی، مفردات راغب، ص 726

^۵ احمد بن محمد علی فیومی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم، دار الهجرة، 1414 ص 743

لغت شناسان اجماعی وجود ندارد چرا که برخی چون جوهری^۱، ابن منظور^۲ و فیروزآبادی^۳ این دو واژه را مترادف دانسته و معتقدند که هر دو واژه بر معنای واحد دلالت می کنند اما برخی دیگر از لغت شناسان چون خلیل بن احمد فراهیدی، بین «تمام» و «کمال» تفاوت قائل شده و مرتبه کمال را بالاتر از مرتبه تمام می دانند.^۴

زیبیدی در همین راستا تمام را جبران جهت نقص شیء ناقص و کمال را چیزی افزون بر تمام می داند. از نظر ایشان کمال یک شیء عبارت است از تحقق آنچه غرض و غایت نهایی آن شیء است و وقتی گفته می شود چیزی کامل شد بدین معناست که مقصود از آن حاصل شد.^۵

راغب معتقد است کمال هر چیزی عبارت است از اینکه آن شیء به مرحله ای برسد که غرض از آن، بر آن مترتب شود اما تمام بودن هر چیز رسیدن آن به حدی است که دیگر نیازی به چیزی بیرون از خود نداشته باشد. بنابراین کمال امری بیشتر از تمام است زیرا تمام بر ناقص وارد می شود و باعث تمام شدن آن می شود اما کمال بر موجود تمام وارد شده و اوصاف آن را کامل می کند.^۶ بر این اساس یک شیء سه مرتبه می تواند داشته باشد که عبارتند از: نقصان، تمام و کمال؛ نقص در برابر تمام عبارت است از اینکه شیئی برخی از اجزای خود را نداشته باشد.^۷ و واژه کمال در جایی به کار می رود که شیئی بعد از آن که به «تمامیت» رسید، باز بتواند درجه بالاتری داشته باشد. جناب شهید مطهری در همین زمینه توضیح جالبی دارد و آن اینکه، کمال شیء در جهت عمودی مطرح می شود

^۱ اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، چاپ چهارم، بیروت، دارالعلم للملایین، 1990م، ج 5، ص 1813

^۲ ابوالفضل جمال الدین محمدبن مکرم ابن منظور افریقی مصری، لسان العرب، بیروت، دار صادر، 1997، ج 5، ص 436

^۳ مجد الدین محمدبن یعقوب فیروز آبادی، القاموس المحیط، بإشراف محمد نعیم عرقسوسی، بیروت، مؤسسه الرساله، 1424، ص 1054

^۴ خلیل بن احمد فراهیدی، ترتب کتاب العین، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم، انتشارات اسوه، قم، 1414ق

^۵ محمد مرتضی الزبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، منشورات دار مکتبه الحیاء، 1306ق، ج 8، ص 212

^۶ ابوالقاسم حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق محمد سید گیلانی، تهران، المکتبه الرضویه، بی تا، ص 75

^۷ صدرالدین شیرازی، تعلیقه بر الهیات شفا، تصحیح و تعلیق نجفقلی حبیبی، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، تهران، 1382، ج 1، ص 420

و مفهوم ارتقاء در آن مندرج است و تمام در جهت افقی مطرح می شود و گفته می شود آن شیء تمام شد و همان شیء اگر در جهت عمودی بالا رود گفته می شود کمال یافت.¹

استکمال در لغت به معنای پایان یابی، کمال بخشی و یافتن کمال است² و در اصطلاح به کمالی گفته می شود که بیشتر از تمامیت شیء اعطا می شود و بعد از تمام شدن و اتمام ساختمان فیزیکی شیء به او داده می شود.³

ب) معنای اصطلاحی کمال

- کمال اول و ثانی

حکمای اسلامی واژه «کمال» را به «کمال اول» و «کمال ثانی» تقسیم کرده اند. ارسطو در این خصوص گفته است: «و کمال به دو معنا می آید: یا مثل علم یا مثل به کار بردن علم»⁴ ابن سینا تقسیم کمال به همین دو نوع را آورده و کمال اول را چیزی می داند که نوعیت نوع با آن محقق می شود مثل شکل برای شمشیر و کمال دوم به معنای هر فعل و انفعالی است که پس از تحقق نوعیت یک نوع بر آن مترتب می شود مثل حرکت برای انسان که ملاصدرا نیز همین تعریف را آورده است⁵ حال سؤال این است که مراد از «یصیر به النوع نوعاً بالفعل» چیست؟ می تواند منظور از این عبارت تمام ذاتیات آن نوع یا جزء اخیر برای تحقق ذات یک نوع باشد. مثلاً کمال اول را شکل برای شمشیر مثال زده اند اما بحث در اینجاست که فعلیت یافتن یک شمشیر در خارج، وابسته به وجود ماده ای مثل فلز برای ساختن شمشیر است و از سوی دیگر تنها وجود یک فلز کافی نیست بلکه فلز باید شکل ویژه ای به خود بگیرد تا بتوان شمشیری از آن ساخت. حال سؤال اینجاست که مجموع فلز و شکل ویژه کمال اول است یا تنها شکل شمشیر کمال اول است؟ از مثال و نوع توضیح ملاصدرا بر می آید که کمال اول همان جزأ اخیر یا

¹ مرتضی مطهری، انسان کامل، در مجموعه آثار، تهران، صدرا، 1383، ج 23، ص 97-99

² آذرتاش آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی-فارسی، تهران، نشر نی، 1380، ص 599

³ مرتضی مطهری، مجموعه آثار، قم، صدرا، 1385، ج 23، ص 98

⁴ ارسطو، درباره نفس، ص 75

⁵ حسین بن عبدالله سینا، النفس من کتاب الشفا، ص 21 و صدرالدین محمد بن ابراهیم، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه، ج 8، ص 14

شکل برای شمشیر باشد. چرا که ملاصدرا هم کمال اول را مانند کمال دوم، صفت شیء نامیده است.¹ و در بخشی از اسفار عبارتی به کار برده که همین احتمال را تقویت می کند آنجا که می فرماید: «هو الکمال الاول للشیء و الصورة المنوعه له»²

باید توجه داشت که ملاصدرا کمال اول را در غیر ماهیات نوعی نیز به کار برده است مثلاً ایشان سیاهی را کمال اول برای سیاه می داند و این در حالی است که سیاهی باعث نوع شدن سیاه نمی شود چرا که مفهومی انتزاعی است و از ماهیتی ویژه حکایت نمی کند چرا که مشتقات مفاهیمی هستند که از دو ماهیت انتزاع می شوند مثلاً سیاه از ماهیت جسم و ماهیت سیاهی که عارض جسم شده استفاده می شود.³ توضیح واضح تر اینکه نفس، کمال ثانی جسم بما هو جسم به حساب می آید در حالی که جسم مطلق، نوع نیست. بر اساس آنچه گفته شد این نتیجه حاصل می شود که کمال اول شیء همواره نیز موجب تمامیت نوع نمی شود لذاست که ملاصدرا هم در برخی نوشته های خود آورده «کمال هر شیء خود اوست.»⁴

- کمال ثانی

کمالاتی که پس از قوام یافتن یک نوع برای آن حاصل می شود چه از جنس افعال باشد یا انفعالات⁵، کمال ثانی محسوب می شود مانند قطع کردن برای شمشیر و علم و آگاهی برای انسان. یکی از مهم ترین تفاوت های کمال اول و ثانی در این است که کمال اول موجب تمامیت نوع می شود اما کمال ثانی خود متوقف بر ذات نوع است. همچنین کمال اول برای خود شیء اکتسابی نیست اما کمال ثانی اکتسابی است.⁶

¹ و أيضاً کل ما يطلق عليه اسم الصفة سواء كان من باب العرض أو الصورة فلا بد أن يكون له مدخلة في كمال الموصوف إما بحسب قوام وجوده و تمام نوعيته و هو الکمال الأول للشیء و الصورة المنوعه له أو بحسب فضيلة ذاته و کمال شخصيته- و هي الکمال الثاني (الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه، ج 2، ص 305)

² همان، ج 7، ص 160

³ محمد تقی مصباح یزدی، (تقریر محمد سعیدی مهر)، شرح جلد هشتم اسفار، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، 1375، ج 1، ص 105

⁴ صدرالدین شیرازی، الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه، ج 8، ص 15

⁵ همو، المبدأ و المعاد، ص 339 و همو، شرح الهدایه الاثیری، ص 179

⁶ محمد تقی مصباح یزدی، (تقریر محمد سعیدی مهر)، شرح جلد هشتم اسفار، ج 1، ص 74

تحقق کمالات یک موجود می تواند به شکل دفعی یا تدریجی اتفاق افتد. حصول دفعی بدین معناست که کمالات ممکن برای یک موجود همواره و یکجا برای آن موجود حاصل شود و حصول تدریجی کمال به معنای حصول استکمالی آن است یعنی کمالات ممکن برای یک موجود از آغاز حاصل نبوده و رفته رفته برای آن حاصل شود و در این رساله به دنبال بررسی شیوه استکمال تدریجی انسان به شکل تکوینی و ارادی هستیم.

ذکر این نکته لازم است که آنچه در مفهوم شناسی کمال اول و ثانی مطرح شد در خصوص امر بالفعل بود مثلاً صورت نطقی کمال اول نوع انسان است که خود امری بالفعل است اما فلاسفه کمال اول و ثانی را به اعتبار خروج تدریجی شیء نیز مطرح کرده اند. در خصوص خروج تدریجی می توان گفت، ارسطو، حرکت را به «کمال اول برای شیء بالقوه از آن جهت که بالقوه است.» تعریف کرده است و علامه طباطبایی در شرح این نوع کمال تبیین خوبی دارد بدین شرح که وقتی جسمی در مکانی ایستاده و می خواهد به مکان دیگر حرکت کند، نسبت به مکان دوم بالقوه است و رهسپاری به سمت مکان دوم کمال اول او محسوب می شود و وقتی مکان اول را ترک کرده و به سمت مکان دوم رهسپار می شود مکان دوم، کمال دوم او به حساب می آید پس کمال اول رهسپاری و کمال دوم، آرام گرفتن در جایگاه دوم است.¹

3-2-1 معاشناسی لغوی و اصطلاحی حرکت

معنای لغوی حرکت:

واژه حرکت در منابع متعدد با تعابیر مختلفی مورد اشاره قرار گرفته است، حرکت در لغت به معنای جنبیدن و تکان خوردن و انتقال جسم از جایی به جای دیگر است.² حرکت به معنای عام به هر گونه تبدیل و تغییر تدریجی یا به هر هیئتی گفته می شود که در آن ثباتی نتوان تصور کرد.³

¹ سید محمد حسین طباطبایی، نهیة الحکمه، ص 201

محمدبن علی تهنوی، موسوعه کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، بیروت، رفیق العجم، 1996، ج 1، ص 652

³ حسین بن عبدالله سینا، النجاء، النجاه، با مقدمه محمد دانش پژوه، چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران، 1379

معنای اصطلاحی حرکت:

واژه حرکت در منابع متعدد با تعابیر مختلفی مورد اشاره قرار گرفته است، ملاصدرا در منابع گوناگون خود با تعابیری چون «غیریت»، «خروج از مساوات»، «خروج تدریجی شیء از قوه به فعل» و «کمال اول برای موجود بالقوه از آن جهت که بالقوه است»^۱ به تعریف حرکت پرداخته است. ملاصدرا در اسفار حقیقت حرکت را خروج تدریجی از قوه به فعل تعریف کرده و آن را حدوث تدریجی می‌داند و بهترین تعریف حرکت عبارت است از این که جسم تمام حدود بین مبدأ و منتهی را به صورت وحدت اتصالی استیفا کند.^۲ بر این اساس حرکت جوهری به معنای نوشوندگی تدریجی اجسام است به گونه‌ای که در دو لحظه یکسان نیستند. هر جسمی هر لحظه موجودی است غیر از لحظه قبل و غیر از لحظه بعد. بر این اساس هر جسمی در خارج وجود ممتدی دارد که هر لحظه به آن بنگریم ماهیت و جوهری انتزاع می‌شود، غیر از جوهری که در لحظه دیگر انتزاع می‌شود.^۳

4-2-1 کینونت عقلی

منظور از کینونت همان موطن، نشأه و جایگاه عقلی است. از نظر ملاصدرا، نفوس دارای موطن گوناگون هستند که برخی پیش از تعلق به بدن و برخی پس از تعلق به آن است.^۴ در تبیین کینونت عقلی نفس باید گفت نفوس در مرتبه عالم عقل حضور داشته و کینونتی عقلی دارند وجود نفوس در مراتب بالا به نحو عقلی قبل از ابدان بوده و بعد از این مرحله به عنوان سرپرست بدن موجود شدند. بر این اساس نفوس کامله دارای سه نحو وجود هستند نحوه‌ای همراه با طبیعت، نحوه‌ای قبل از طبیعت (که به عنوان عقل در قوس نزول تنزل کرد و نفس همراه

^۱ فالحرکه اذن کمال اول للشیء لا من حیث هو انسان أو فرس أو نحاس بل من حیث هو أمر بالقوه فهی وجود بین قوه محضه و فعل محض (صدرالدین شیرازی، الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه، ص 95)

^۲ همو، الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، ج 3، ص 22 و 31

^۳ و ما من جسم إلا و یتقوم ذاته من هذا الجوهر الصوری الساری فی جمیع أجزائه، و هو أبدا فی التحول و السیلان و التجدد و الانصرام و الزوال و الانهدام. فلا بقاء لها، و لا سبب لحدوثها و تجددها، لأن الذاتی غیر معلل بعله سوی عله الذات. و الجاعل إذا جعلها، جعل ذاتها المتجدده. و أما تجددها، فلیس بجعل جاعل و صنع فاعل. و بها یرتبط الحادث بالقدیم، لأن وجودها بعینه هذا الوجود التدریجی و بقاؤها عین حدوثها، و ثباتها عین تغیرها. فالصانع بوصف ثباته و بقائه أبدع هذا الکائن المتجدد الذات و الهویه. (همو، المشاعر، به اهتمام هانری کرین، چاپ دوم، تهران، کتابخانه طهوری، 1363 ه ش ص: 64)

^۴ صدرالدین شیرازی، الحکمه المتعالیه، فی الاسفار الاربعه، ج 8، ص 332

با طبیعت پدید آمد) و بعد از طبیعت که مرتبه ارتقاء نفس در قوس صعود است بنابراین از مرحله پیش از طبیعت و پس از طبیعت که در مقام عقل است به کینونت عقلی تعبیر می شود.